

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۵، شماره ۳ - شماره پیاپی ۵۴، آذر ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

صص: ۱-۲۳

بررسی رابطه احساس ترس از خیانت همسر و مدیریت بدن در زنان متاهل تهران

عبدالرضا ادهمی^۱ منا امامی^{۲*}

۱- گروه جامعه شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف این مقاله شناخت رابطه احساس ترس از خیانت همسر و مدیریت بدن در زنان متاهل تهرانی است که با روش کیفی نظریه مبنايي انجام گرفت. روش نمونه گیری "نمونه گیری نظری" بوده و با ۲۵ زن متاهل تهرانی مصاحبه عمیق و نیمه ساخت یافته صورت پذیرفت. با مطالعه روایات و مصاحبه ها، مفاهیم در کدگذاری طبقه بندی شد و کدهای محوری استخراج شد و هر کدام در کدگذاری گزینشی ذیل مقوله ای جای گرفت. همچنین پدیده، "هراس از کم توجهی" نام گذاری گردید. در این پژوهش سوال اصلی که پی گرفته شد این بود که آیا احساس ترس از خیانت همسر تاثیری بر مدیریت بدن زنان متاهل دارد. تلاش زنان در به دست آوردن منزلت و عاملیت در عرصه خانواده و اجتماع با محدودیت های فرهنگی و اجتماعی مواجه است. زنان از طریق خدمات شایسته ای که انجام می دادند توجه را به دست می آوردند، ولی امروزه زنان با اعمال تغییرات در بدن شان و نیز با پذیرش پیامدهای منفی آن، جلب توجه و تمایزیابی می کنند.

کلمات کلیدی: احساس ترس، خیانت همسر، مدیریت بدن، جراحی زیبایی، صنعت زیبایی

مقدمه

امروزه با وجود تحول در نهاد خانواده و تغییر فرم آن از خانواده گسترده به خانواده هسته ای مرز فردیت برای همسران تعریف شده است. اما متأسفانه تعیین این مرز بعثت سردرگمی خانواده در حال گذار ایرانی به خوبی تعریف نشده و همچنین اهمیت رابطه در خانواده های هسته ای به مساله و دغدغه اصلی خانواده ها تبدیل شده است. ویلیام گود در نظریه همگرایی مطرح می کند که دگرگونی های نظام خویشاوندی نتیجه اجتناب ناپذیر دگرگونی های ساختاری و همچنین دگرگونی های ایدیولوژیک است. در زمانی که دگرگونی های ساختاری در سطح کلان و دگرگونی های ایدیولوژیکی نیز در سطح کلان رخ می دهد، سازمان های سطوح خرد نیز به اجبار باید خود را با دگرگونی های سطح کلان انطباق داده، در نتیجه در جوامع مدرن صنعتی الزامات نظام خانوادگی به شکل خانواده هسته ای تبدیل خواهد شد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۷). در کشور ما دغدغه وجود روابط سالم زناشویی در خانواده ها موج می زند. با نگاهی به آمار ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۵ معلوم گشت که از ابتدای سال تا پایان آذر ۹۵، ۱۳۵ هزار طلاق ثبت شده و میانگین سن طلاق در بین زنان ۲۷ سال و در بین مردان ۳۱ سال می باشد. همچنین میانگین طول زندگی مشترک ۸ سال و یکی از مهم ترین عوامل طلاق روابط نامشروع عنوان شده است. احساس روابط مقطعی همسر که حاصل آن بی تعهدی می باشد باعث اضطراب و ترس در زنان متأهل شده و در نتیجه آنها با رویکردی سنتی - مدرن با هدف مورد توجه قرار گرفتن به تغییر در بدن خود می پردازند. تغییر در بدن یک راه حل برای حفظ موقعیت خانوادگی می باشد. به تاسی از گیدنز می توان گفت مدرنیته در ایران، دوره ای است که با بازاندیشی مشخص می شود و بدن را نیز درگیر سازمان بازاندیشانه زندگی اجتماعی می کند. امروز ما نه تنها مسوول طراحی خود هستیم، بلکه همچنین باید (در ارتباط خود) بدن هایمان را نیز طراحی کنیم. در این دوران، بدن به طریقی تبدیل شده است که باید آن را ایجاد کرد، نه چیزی که سنت یا عادت به طور قطع تعیین کرده است، بدین ترتیب، بدن در پیوند با سیاست زندگی، مدام و همواره آفریده می شود و معنا می یابد. سیاست زندگی که حول هویت، سبک زندگی و اخلاقیات دور می زند در پیوند با آزادی فرد برای انتخاب و مطرح کردن پاسخ به این پرسش حیاتی است که چگونه فرد باید زندگی کند، به دیگر سخن، سیاست زندگی ارتقای خودشکوفایی فردی است (فرزانه و ذکایی، ۱۳۸۷: ۴۹).

اعمال تغییرات در بدن، گذشته از آن که امری فردی است، بیشترین تاثیر را روی نزدیکان فرد از جمله همسر می گذارد. از طرف دیگر اینگونه اعمال می تواند در بهبود رابطه زناشویی و ثبات خانواده نقش مثبت و یا منفی داشته باشد. این روند نمایشی شدن می تواند توسط دیگران که مهمترین آنها شریک زندگی است پذیرفته نشود. از دیگر اثرات منفی آن می توان از زیاده خواهی زنان و اعتیاد به تغییرات پیاپی در بدن را نام برد، که هم از نظر مالی بِنفع آنها

نیست و هم ریسک پذیری آنها می تواند مضرات جانبی به همراه داشته باشد. همچنین از اثرات خودآرایی افراطی می توان تشدید ناهنجاری های فرهنگی، مصرفی شدن و نیز پیامدهای منفی اقتصادی را ذکر کرد.

از رشد و گسترش مدیریت و کنترل بر اندام های بیرونی بدن و دست کاری، تغییر و اصلاح آنها در دوران نوین می توان چنین برداشت کرد که تغییر و اصلاح بدن می تواند در چهار مقوله مورد پرسش و مطالعه قرار گیرد: بدن به مثابه میانجی و زبان (رسانه)، بدن به مثابه عامل هویت ساز، بدن به مثابه کالا که بر پایه ی سیاست ها و تکنولوژی های خاصی مصرف می شود و در نهایت، بدن به مثابه امر جنسی (غراب، ۱۳۸۷، ۱۵۰).

رفتارها و کنشهای توأم با احساس ترس و ناامنی، زنان را سرگردان یافتن و آزمودن راه حل هایی برای هرچه محبوب تر ماندن کرده است تا بلکه شریک زندگی شان را در چارچوب خانواده حفظ کنند. با نگاهی به افزایش آمار طلاق و نیز اهمیت موضوع مدیریت بدن، این سوالات شکل می گیرد که نخست آیا امروز نیز زن ایرانی احساس روانی خطر خیانت و ازهم پاشیدگی خانواده اش را با اعمال تغییرات در بدن و ظاهر خود رفع می کند و با این تغییرات نیاز به جلب توجه شوهر را نشان می دهد؟ و دوم آیا زنان برای رضایت خودشان در بدن خود تغییرات پیاپی انجام می دهند یا تحت فشارهای فرهنگی جامعه قرار می گیرند؟ این رساله بر آن است ارزیابی و تفسیر تصور ذهنی زنان از بدن خود را بررسی کند و نیز اینکه تا چه حد این تصور ذهنی، زنان را وامیدارد برای حفظ کیان زندگی خود مطابق با سلیقه همسر به ظاهر مناسب دست یابند. فهم و تجربه ی معنای ذهنی از جانب کنشگران در این زمینه میتواند به باز کردن گره های پیچیده ی علل علاقه مفرط زنان متاهل به تغییرات بدن و خودآرایی کمک کرده و به ارائه تفسیری از کنش این افراد دست پیدا کنیم.

پیشینه پژوهش

تحقیقات و مطالعات مرتبط با مدیریت بدن توسط پژوهشگران گوناگون و از دیدگاه های مختلف بررسی شده است. تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد در مورد ارتباط احساس ترس از خیانت همسر و مدیریت بدن زنان متاهل به علت وجود فرهنگ کتمان و پنهان کاری به خصوص در زنان و نیز تابو بودن مساله خیانت تحقیق جامعی صورت نگرفته است. برخی مطالعات تا حدودی مرتبط با این موضوع در ادامه معرفی می شوند.

در حوزه ی مطالعات فرهنگی، بسیاری از تحقیقات نشان داده اند که نگرش افراد نسبت به بدن و وضع ظاهری خود متأثر از کدهای فرهنگ جامعه ای است که در آن زندگی می کنند. حقگوئی پشکه، آزاده (۱۳۸۶) پایان نامه ای تحت عنوان "بررسی انسان شناختی فرهنگ حاکم بر مدیریت بدن در بین زنان شهر تهران (مطالعه موردی زنان مناطق ۶-۷ و ۱۹ تهران" در حوزه جامعه شناختی ارائه داده است. حمیدی، نفیسه و مهدی فرجی (۱۳۸۷) مقاله "مصرف فرهنگی

آرایش در میان زنان "را در کتابی با عنوان "مطالعات فرهنگی مصرف فرهنگی و زندگی روزمره" ارایه نمودند. در این مقاله آرایش به منزله نمود و ظاهر افراد اهمیت دارد و معنایی که در هر نوع آرایش حاکم است مد نظر می باشد. احمد نیا، شیرین (۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان "جامعه شناسی بدن و بدن زنان" در فصلنامه زنان ضمن اینکه از اهمیت بدن و ضرورت توجه داشتن به بدن از سوی زنان اشاره دارد به فشارهای فرهنگی اجتماعی موثر بر بدن زنان نیز توجه کرده است و معتقد است اساساً الگوی فرهنگی غربی در سطح بین المللی که از طریق رسانه های جمعی و تکنولوژی های نوین ارتباطی تشدید می شود ارزشهای خاصی مرتبط با اشکال و اندازه های بدنی ایده ال و مطلوب مورد تاکید قرار می دهد. فرزانه، ذکایی (۱۳۸۵) در پژوهش خود تحت عنوان "زنان و فرهنگ بدن" به این نتایج اشاره می کند: تفسیرها و نگاه های این زنان نسبت به پدیده واحدی به نام جراحی زیبایی متفاوت است و این تفاوت از منابع هویتی اتخاذ شده است. تصمیم اکثریت زنان در خصوص انجام جراحی زیبایی را می توان اقتضای جامعه مدرن در توجه نمودن به ظاهر و محلی برای کسب هویت و منزلت دانست. از طرفی فشارهایی که از هر سو به یک زن وارد می آید، او را به سوی زیباسازی و ابزارهای مرتبط با آن نظیر رژیم، آرایش و جراحی زیبایی سوق داده است. در این اثر محقق از دو روش پژوهش کمی و کیفی در کنار یکدیگر استفاده کرده و از ابزار پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه برای جمع اوری اطلاعات استفاده نموده است. یافته های حاصل از پژوهش سهیلا صادقی (۱۳۹۶) حاکی از آن است که متغیر مستقل ارزش سرمایه جنسی بر میزان انجام مدیریت بدن زنان متولد دهه ۶۰ در شهر همدان تاثیرگذار است، به صورتی که با افزایش (کاهش) آنها بر میزان انجام مدیریت بدن افزوده (کم) می شود. نتایج حاصل از این پژوهش تایید کننده نتایج حاصل از پژوهش دلبیو ادموندز (۲۰۰۸)، ماریا لاو و سورلیه (۲۰۱۰)، ماریا اوکوا (۲۰۱۱)، یوهه لی (۲۰۱۴) در خصوص تاثیر متغیر ارزش سرمایه جنسی بر انجام مدیریت بدن زنان است. نازنین غفاریان شیرازی (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "مصاحبه عمیق با زنان ایرانی که آرایش غلیظ و جراحی پلاستیک انجام می دهند" نشان می دهد زنان ایرانی در اصل از آرایش و مدیریت بدن بعنوان ابزار ارتباط و نشان دادن خود در جامعه استفاده می کنند.

سوزان براون میلر نشان میدهد چگونه بدن زنان در طول تاریخ محدود و کنترل شده تا با معیارهای زیباشناختی (از طریق پوشیدن کرستهای مخصوص و اخیراً از طریق رژیمهای لاغری) هماهنگ شود و چگونه این مراقبت فوقالعاده موجب ضعف و ناتوانی جسمانی ایشان می شود (گروگن، ۲۰۱۱: ۹۱۷). تحقیقات هلن فیشر انسان شناس آمریکایی (۲۰۱۸) در میان زوج های کشورهای غربی در باره ی تجربه خیانت نشان می دهد که زنان و مردانی که در مقایسه با همسرشان، خودشان را از نظر اجتماعی مطلوب تر و خواستنی تر دانسته اند شرکای خارج از ازدواج بیشتری داشته و مدت کوتاهی پس از ازدواج به سراغ خیانت جنسی رفته اند.. ترنر (۱۹۹۶) در اینباره معتقد است که "قانونمند کردن بدن" منتج به لذتمند نمودن سکس شده است (ترنر، ۱۳۸۱: ۳۱۳).

چارچوب مفهومی

این پژوهش براساس نظریه مبنایی انجام شده است. چارچوب مفهومی که در این بررسی به کار رفته با توجه به داده های پژوهش و راهبردهایی که زنان متاهل نمونه حاضر در مدیریت بدن پیش گرفتند نظریه گیدنز و بوردیو را به ذهن متبادر می کند.

با نگاهی اجمالی بر نظریات آنتونی گیدنز، توجه او را به رابطه میان تاثیرات جهانی و مفهوم "خود" و "بدن" در عصر مدرن دریافتیم. او براین عقیده بوده که در بسیاری از عرصه های فرهنگی ماقبل جدید، نمای ظاهری بدن تابع استانداردهایی با معیارهای سنتی بود اما امروزه او دوره ی مدرن را عصر بازاندیشی می داند. در این عصر مردم با اندیشیدن و بررسی مداوم کنش ها و باورها، سبب تغییر و دگرگونی جهان شده و با توجه به حجم وسیع رسانه ها بشر امروز می تواند دایما کنشها و تصمیم های خود را اصلاح کند و گذشته خود را بررسی نماید. این بازاندیشی شامل تغییرات بدن نیز می باشد. از نگاه گیدنز، بدن تنها نوعی موجودیت طبیعی نیست که مالکیت آن رابه ما تخصیص داده باشند، بلکه بدن نوعی دستگاه متحرک است، مجموعه ای از کنشها و واکنشها بوده و غوطه ور شدن عملی آن در کنشهای متقابل زندگی روزمره یکی از ارکان عمده نگاهداشت و تحکیم مفهوم منسجم و یکپارچه ای از هدایت شخصی است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

به زعم گیدنز، نظارت بر فرایندهای جسمانی جز ذاتی نوعی توجه بازتابی مداوم است که کنشگر باید نسبت به رفتار خویش نشان دهد (همان، ۱۳۸۷: ۶۳). به اعتقاد گیدنز، انسان با تعامل در کنش متقابل اجتماعی است که تعریف می شود. او کنشگران را فاقد برنامه و هدف نمی داند، گرچه معتقد است که آن ها به دلیل نیاز به تبعیت از قواعد و قضاوت جمع، خود به تنهایی قادر به آفرینش معنا نیستند. با این حال، وی معتقد است که عاملیت کنشگران بازنمایی الگویی از ساختارهاست، زیرا آنها در دایره عادات و رسوم زندگی روزانه، عموماً در حال تکرار مکررات هستند. اگرچه کنشگران پیرو قواعد و سنن هستند، اما تنها تعدیل و انطباق های جزئی را از خود بروز می دهند (پارکر، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۰۱).

ساختارها به باور بوردیو روابطی هستند که میان بازیگران یا گروه های اجتماعی با قدرت نابرابر ایجاد می شوند و این میدان می تواند کل یک جامعه را در بر گیرد. مثل میدان مبارزه طبقاتی، یا ممکن است بخشی از جامعه یا قشری خاص از آن را شامل شود، مانند میدان تولید فرهنگی یا میدان طبقه حاکم و غیره. هر میدان عرصه ای است که در آن نیروهای بالقوه یا بالفعل با یکدیگر وارد تبادل می شوند. بوردیو خود در این باره چنین می گوید: "قابلیتهای شکل دهنده ی منش تربیت یافته تنها در حالتی شکل می گیرند و به کارکرد خود عمل می کنند که در یک میدان قرار گرفته باشند یا در رابطه ای با یک میدان وارد شده باشند که به قول بشلار میدان فیزیکی خود میدانی است از نیروهای ممکن که در آن

نیروها تنها در رابطه با برخی قابلیت‌ها آشکار می‌شوند. به این ترتیب است که عملهایی یکسان چنانچه در میدانهای متفاوت قرار بگیرند یا در حالت‌های متفاوت یا در بخش‌های متضادی از یک میدان می‌توانند معانی و ارزش‌های متناقض نیز دریافت کنند (Bourdieu, 1979:103) به نقل از فکوهی، ۲۹۹:۱۳۸۶). به عبارت دیگر می‌توان گفت میدان قلمروهای زندگی اجتماعی نظیر سیاست، هنر، صنعت و... هستند و لذا در اجتماع می‌توان میدانهای بسیاری را شاهد بود. عاملان و کنشگران در هر میدان به سبب دستیابی به قدرت و منزلت و از آنجایی که در موقعیتهای نابرابری هستند، همواره در کشمکش و جدالند و از طریق منش و اشکال سرمایه‌ای که در اختیار دارند و می‌توانند جایگاه فرادست یا فرودست را در این میدان کسب نمایند. بوردیو به منظور نشان دادن جایگاه و تبادل میان عاملان یا گروه‌های اجتماعی به مقدار و اهمیت نسبی سرمایه در اختیار اشاره می‌کند و از چهار نوع سرمایه نام می‌برد (فرزانه، ۱۳۸۵:۴۱).

روش پژوهش

در این تحقیق در صدد هستیم تا به شناختی از فهم ارتباط احساس ترس از خیانت همسر و گرایش و درک معنای ذهنی کنشگر که به واسطه آن اقدام به تغییراتی در بدن‌شان صورت می‌دهند، دست یابیم. نظریه زمینه‌ای از نظر پارادایمی و نظری بر اصول پارادایمی تفسیر گرایی اجتماعی استوار است. از ویژگی‌های مهم نظریه زمینه‌ای آن است که از استدلال استقرایی برای ورود به سطح خرد واقعیت، استدلال قیاسی برای ساخت الگوی نظری عام و از استدلال استفهامی برای درک موضوع امیک کنشگران اجتماعی استفاده می‌کند (محمدپور، ۳۱۵:۱۳۹۲). به عبارت دیگر نظریه زمینه‌ای داده محور است و به جای آزمودن فرضیه‌ها خود در تولید معرفت و ساخت نظریه‌ای برخاسته از بستر اجتماع و از نگاه سوژه‌ها به اکتشاف می‌پردازد. بدین منظور به کمک روش نظریه‌مبنایی تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع شده و انتظار می‌رود آنچه متناسب است ظهور نماید. پژوهش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منظور از نظریه‌مبنایی، نظریه‌ای برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل می‌شود. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار می‌گیرد و پژوهشگر به جای اینکه مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار خود را با حوزه مطالعاتی خاص شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۸:۳۴).

شیوه و ابزار نمونه‌گیری

در این پژوهش از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته با تعداد ۲۵ زن متأهل تهرانی استفاده شد. مصاحبه‌شوندگان استفاده از خدمات آرایشی، جراحی زیبایی، تزئینات، ورزش و بهداشت بدن، استفاده از بالون برای کم کردن حجم

معدده و رژیم های کاهش وزن را تجربه کرده بودند. برحسب محتویات مصاحبه ها، به روش نمونه گیری نظری، به مصاحبه شونده دیگر مراجعه شد. نمونه گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا کرد که پژوهشگر به اشباع نظری رسید. مدت زمان مصاحبه ها بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه متغیر و زمان اجرای آنها از آبان ماه ۱۳۹۵ تا دی ماه همان سال بود. مکان مصاحبه ها نوعاً "به انتخاب خود مصاحبه شوندگان در مکان هایی مانند ورزشگاه، کلینیک زیبایی و یا منزل شخصی ایشان انجام شد تا با آرامش بیشتری به سوالات پاسخ دهند. انتخاب مصاحبه شوندگان براساس مراجعه ایشان به کلینیک های زیبایی مناطق شمال و مرکز تهران صورت گرفته است. در این پژوهش پس از انجام دادن ۲۵ مصاحبه ی کیفی عمیق با زنان متأهل اشباع داده ها حاصل شد. اطلاعات مربوط به ویژگی های مصاحبه شوندگان در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱ - ویژگی های کلی زنان مصاحبه شده

ردیف	اسم	سن (سال)	تحصیلات	شغل	مدت ازدواج (سال)	محل سکونت	راهبردهای مدیریت بدن
۱	هانیه	۳۴	لیسانس	روانشناس	۱۲	مینی سیتی	راینوپلاستی
۲	آرزو	۳۰	لیسانس	مربی ورزش	۱	پاسداران	پروتز لب-بدنسازی
۳	مریم	۵۳	دیپلم	آرایشگر	۳۳	سعادت آباد	تتو چشم، ابرو، بوتاکس
۴	زهرا	۳۸	لیسانس	پرستار	۲	پاسداران	بوتاکس
۵	منیژه	۵۷	دیپلم	خانه دار	۴۲	پاسداران	بالون معدده
۶	مریم	۳۰	دیپلم	خانه دار	۷	دولت	ساکشن ران و باسن
۷	ماهرخ	۴۸	لیسانس	دانشجو	۲۸	دروس	لیپولیز، تتو، راینوپلاستی
۸	زهره	۳۹	ارشد تاریخ	خانه دار	۱۲	ونک	راینوپلاستی، ماموپلاستی کوچک-کننده، پروتز گونه
۹	افسانه	۴۲	دیپلم	خانه دار	۱۸	مینی سیتی	پروتز لب، کاشت ناخن
۱۰	فرناز	۳۴	لیسانس	خانه دار	۸	دیباچی جنوبی	کاشت ناخن، تتوی ابرو
۱۱	مهسا	۴۲	لیسانس	دانشجو	۱۰	دیباچی جنوبی	راینوپلاستی، تتوی ابرو
۱۲	ندا	۳۰	لیسانس	آرایشگر	۹	پاسداران	لیفت سینه، بوتاکس
۱۳	سودابه	۶۰	دیپلم	خانه دار	۴۳	دیباچی جنوبی	تتو -PRP، بالون معدده
۱۴	فریمه	۵۰	دیپلم	قناد	۳۳	دولت	رژیم گیاهخواری
۱۵	فرشته	۵۰	لیسانس	خانه دار	۳۰	شهرک غرب	لیفت سینه، هاشور، کاشت ناخن، جراحی پلک

ردیف	اسم	سن (سال)	تحصیلات	شغل	مدت ازدواج (سال)	محل سکونت	راهبردهای مدیریت بدن
۱۶	پریسا	۴۰	لیسانس	خانه‌دار	۱۸	فرمانیه	لیزر و PRP، جراحی پلک
۱۷	فهیمه	۴۳	ارشد	کارمند	۱۷	دولت	تتو و رژیم سخت
۱۸	شیوا	۳۸	لیسانس	مربی ورزش	۱۸	مینی سیتی	راینوپلاستی-بدنسازی
۱۹	یاسمن	۳۰	لیسانس	خانه دار	۵	پاسداران	راینوپلاستی، ساکشن، پروتز لب، لیفت سینه
۲۰	عاطفه	۳۶	دیپلم	خانه دار	۱۴	مینی سیتی	لیفت سینه، پروتز
۲۱	مژگان	۴۸	دیپلم	آرایشگر	۲۰	سعادت آباد	نگین دندان، بوتاکس، کاشت ناخن
۲۲	یکتا	۳۹	دیپلم	منشی	۱۲	دولت	پروتز لب، پروتز گونه، تتو
۲۳	آذر	۳۷	ارشد	کارمند	۱۲	مینی سیتی	راینوپلاستی
۲۴	لیلی	۴۸	لیسانس	خانه‌دار	۲۰	کاشانک	تتو ابرو
۲۵	زهره	۴۱	پزشک	پزشک زیبایی	۱۰	دولت	بوتاکس-تتو

شیوه جمع آوری اطلاعات

پژوهشگر با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته به گردآوری اطلاعات پرداخته است. با استفاده از سوالات واضح و روشن محورهای پژوهش مشخص گردید. این محورها بستر و زمینه های جراحی زیبایی، تجربه و درک از آن و نیز آثار و پیامدهای حاصل از این جراحی ها را مشخص کرد.

معیارهای ارزیابی

برای سنجش اعتبار تحقیق کیفی معمولاً این پرسش به میان می آید که «برساخته های محقق تا چه حد به برساخته های افراد مورد مطالعه اش متکی است و این متکی بودن تا چه حد برای دیگران آشکار است» (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۱۴). وظیفه محقق در حفظ پایایی این تحقیق بدین گونه ادا شد که محقق ابتدا مفاهیم را با ذهنیت نظری که از موضوع مورد تحقیق داشت و تا حد ممکن به شکلی دقیق تعریف نموده و در مرحله بعد به صورتی روشمند به تحلیل مقایسه ای و مداوم داده ها در مراحل کدگذاری و پرسش و مقایسه های مجدد پرداخت و همگام با این اعمال، در استنباط از داده ها و ارتباط آنها باهم در مقولات و نیز انتخاب مقوله اصلی، از نظرات افرادی مطلع نسبت به موضوع و با نظرگاه هایی غیرهمسان با محقق استفاده شد. تنوع در نمونه گیری استراتژی محقق برای گسترش تعمیم پذیری در این تحقیق بود. انتخاب زنان متاهل و ارزیابی معنی ذهن آنها از مدیریت بدن و نیز بر اساس سطح تحصیلات متفاوت با میزان گرایشات

مذهبی متفاوت و سطح اقتصادی و پایگاه اجتماعی متفاوت موجب می شود تا بتوانیم سطح تعمیم پذیری را گسترش دهیم تا نتایج تحقیق که در قالب همین جامعه و گروه قابل تعمیم هستند گستره محدودی را شامل نشوند.

محدودیت های ورود به میدان پژوهش

بارزترین مساله سختی در یافتن نمونه ها بود، به ویژه در مراحلی که محقق به اشباع نظری رسیده بود. یافتن زنان متأهلی از میان طبقه ی متفاوت و در محدوده ی سنی ۳۰ تا ۶۰ سال که حاضر به مصاحبه باشند با سختی پیش می رفت. همچنین با توجه به موضوع، پژوهشگر مجبور بود که در حیطه ی خصوصی مصاحبه شوندگان وارد شود و در این میان پژوهشگر با توجه به خصوصیات اخلاقی و فردی هر مصاحبه شونده تحت شرایط سختی قرار می گرفت. در بسیاری صحبت به خارج از موضوع کشیده می شد و پژوهشگر مجبور بود با همدلی با او رفتار کند، همچنین با توجه به اخلاق پژوهشی اسرار و مشخصات مصاحبه شوندگان حفظ شد.

منطق کدبندی در این پژوهش

مفاهیم و مقولات تصوراتی هستند که در قالب کلمات یا به صورت یک نماد بیان می شود... مفاهیم سنگ بنای نظریه اجتماعی محسوب می شود. به دلیل همین نقش تعیین کننده در پژوهش علمی، مفاهیم نیازمند نظارت و واریسی دقیق روش شناختی اند.

نگارنده این کار را به کم سنت حساس سازی انجام می دهد. در ابتدا معنای مفاهیم با نشان دادن مصادیق تعیین خواهد شد. اما همواره با جلو رفتن پژوهش پالوده تر خواهد شد تا با اهداف تحقیق مناسبت بیشتری بیابند.

در تحقیق حاضر به منظور تجزیه و تحلیل داده ها کدگذاری باز انجام شد. مصاحبه ها خرد شده و عبارات و جمله های انتخاب شده کد گذاری شده و سپس ۳۰۰ مفهوم یافت گردیده و در کنار مصاحبه های پیاده شده یادداشت شدند. در مرحله ی کد گذاری محوری زمینه های مشترک میان آنها کشف شد و امکان طبقه بندی ۱۴۳ مفهوم محوری میسر گردید. در مرحله کدگذاری انتخابی، وجوه مشترک مولفه های برآمده از مراحل قبلی در طبقه بندی محدودتری تنظیم شد. در مرحله کدگذاری باز با هدف خرد کردن داده ها و مشخص کردن ویژگی و ابعاد آنها، درون یک مصاحبه کدهای زیادی استخراج شد که وقتی داده ها به طور مرتب مورد بازنگری قرار گرفت، کدهای جدید اصلاح، و کدهای نهایی مشخص شد. در مرحله ی بعد، مفاهیم براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه بندی شد.

جدول شماره ۲: کدگذاری باز داده ها

مقولات استخراج شده	مفاهیم
احساس ترس از خیانت همسر	<p>احساس اینکه زن زیاتر بیاد تو زندگیم رو داشتم؛ از همسرم خیلی مطمئنم، ممکنه ترس ی لحظه بیادوبره، اون علاقه شو نشون میده، باخودم میگم هر کسی باشه نمی تونه کاری بکنه، ولی این واقعیت هست و وجود داره و بعضی موقع ها بهش فکر می کنم؛ برای همه زنا این حس هست و برای بعضیا که دیگه بیشتر؛ زنی که در خونه می مونه، نمی تونه به پای زنانی برسه که بیرونن و هی به خودشون ور می رن، چون اونا آزادن...؛ جوون تر که بودم، فکر می کردم. چهل چلیه دیگه می دونی؟... که آقايون دوست دارنند... اصلا شوهر من زن خوش فرم دوست داره، اونموقع برای زیبایی به من می گفت لاغر شم، خیلی عصبی بودم؛</p>
ارتقای اعتماد بنفس	<p>هر چی از درون قوی باشی کمتر میشه از بیرون بهت نفوذ کرد. یک کمی که خودت SO...SO باشی، بعد ببینی که همه لبشون رو تزییق کردن ناخودآگاه تو هم به اون سمت می ری؛ عمل سنگینی بود، بعد از عمل خیلی از خودم راضیم؛ من اگر با زیبایییم اعتماد به نفسم زیاد بشه قطعاً مادر و همسر بهتری می شوم." و "ایده الم عمل سینه بود که حالا این هم اضافه بشه. نه این که بگم اونموقع خیلی بد بود. اعتماد به نفس نداشتم.</p>
قربانی شدن	<p>تا سه ماه نتوانستم کارهای عادی خودم رو انجام بدم. پام آمبولی کرد. چندین بار به من خون وصل کردند. ضعف شدیدی داشتم. اصلا هم لاغر نشدم؛ تاثیر بدی روی خانوادم گذاشت، همسرم هم خیلی ناراحت هست و خاطره بدی دارم؛ بعد از بوتاکس شوهرم از من پرسید. میترا چی شده؟ تو چرا صورتت اینطوری شده؟ چرا این کار رو کردی؟ من تو رو اینطوری دوست ندارم؛ بعد از عمل بای پس معده جذبم کم شده، ذخیره ی آهنم پایین اومده، غذاهای گوشتی سر معده ام گیر می کنه، وزنم ۸ کیلو بالا اومده دوباره؛ به خاطر سلامتیم تصمیم گرفتم رژیم بگیرم و پیش دکتر گیاهی رفتم. یکسال گیاهخوار بودم حتی تخم مرغ هم نمی خوردم. بعد از یکسال فقط ۷ کیلو وزن کم کردم. از این رژیم راضی نبودم. افت کلسیم پیدا کردم. زود دچار شکستگی لگن شدم. دیگه تصمیم گرفتم رژیم نگیرم.</p>
ابزاری شدن بدن	<p>به نظرم خیلی از زن ها که همسر ندارند خودشون رو برای خانم های دیگه، اون بلاها رو سر خودشون درمیارن؛ جوونها بیکارن، سن ازدواج هم بالا رفته، محل ارتباط دانشگاه هست، دخترها برای رقابت، تغییرات ایجاد می کنند؛ جامعه در حال جلو رفته، اگر با سرعت جامعه جلو نری نمی تونی شادابی و سرزندگیت رو برای مردت حفظ کنی. اینقدر رقیب های زیادی هستند؛ نسلهای تازه خیلی سریع همه چیز رو گرفتند، اگر آدم نخواد به خودش برسه دیگه جایگاهی در جامعه نداره؛ شوهرم خیلی حساسه، همیشه چون تفاوت سنی مون دو ساله، به من می گفت تو زودتر از من پیر می شوی. کارش جوریه که با خانم ها خیلی در تماسه (دندانسازه). من خودم هم ذاتا اینطوریم، شمالی ها خیلی به ظاهرشون می رسن.</p>
دگرذیبی ارزش ها	<p>مثلا من خودم رو با خانم سیمین دانشور مقایسه نمی کنم اما با فلان سوپرستار که مردها آنقدر ازش خوششون می یاد مقایسه می کنم... ببینید ما چقدر سطح توقعمون پایین اومده؛ می خوام بری دختر بگیری برای پسرت، برو استخر ببین کی روی آب وایساده (با خنده)؛ می خوام بگم ارزش هامون شده ضد ارزش</p>

الگو پذیری از مدل های رسانه ای	<p>برای پوستم چندین جا رفتم. دماغم را به دکتر نشون دادم. به من گفتند این را اروم اروم می تراشیم؛ کرم و ماساژ استفاده می کنم؛ در اون رژیم انتظار داشتم در سه ماه مثل باری بشم، نشد و بعد ول کردم؛ شبکه های خاص را پاکسازی می کنم، حتی ی کانال آهنگ در کانال های ماهواره نداریم. شوهرم در معرض دیدن ماهواره نیست؛ ماشااا... در کوچه و خیابون ریخته؛ من خودم مدلها رو که نگاه می کنم، چونه هاشون زاویه داره.. اون فکهارو خیلی دوست دارم؛</p>
افول جوانی	<p>پریه همیشه هست با آدم. واقعا اون چین و چروک صورت و اون گیری رو که مسیر طبیعی خودش را طی می کند. خیلی بیشتر دوست دارم. اونهایی که خیلی به صورتشون دست می زند تاثیر نداره و خیلی زود بر می گرده؛ ابراز ناراحتی از درآمدن موهای سپید، فرشته از پایین افتادن پلک، سودابه از چروک پوست و فرناز از افتادگی شکم و..؛ یک خانم در هر حال برای خودش مهمه، چون وقتی ماها که سنمون بالا می ره، این خیلی مهمه که جلوی آینه خودمون رو نگاه کنیم و از خودمون لذت ببریم، شاید چند سال دیگر لیفت صورت هم انجام بدم با خنده</p>
چشم همچشمی (کسب اعتبار اجتماعی)	<p>جامعه هرچه بیشتر پیشرفت میکنه کارهای زیبایی بیشتر میشه و آدم رومیکشونه به اون سمت که اون کارروانجام بده.... در مراکز خرید گاه پرسه زنی زنان در آنجا سوپراستارها را برفرش قمرزبه یاد می آورده و این حسرت رادر زنان به وجود میاره که اگر مانند آنها نشوند، شاید از قافله عقب بمانند؛ یکی دو تا سفر خارج از ایران رفتیم در تورمون دو سه تا خانم های ژینگولی بودن که با هم خیلی دوست شدیم، اینا دماغلشون رو عمل کرده بودند، من هنوز نکرده بودم، یکی از علت هاشو الان بر می گردم می بینم اونا بودند. من احساس کردم که نمی خوام از اونها موقعیت کمتری داشته باشم</p>
عالمیت	<p>اضطراب زیادی قبل از ازدواج داشتم. اینقدر اضطراب داشتم که می تونم بگم لذت عروسی که طبیعی هست برای دیگران برای من ۲۵٪ بود. من با احساس اضطراب زیادی ازدواج کردم، الان احساس می کنم دوباره متولد شدم؛ همیشه وقتی خانم هایی رو می بینم که شکمشون خیلی بزرگه، همیشه در ذهنم میگم چرا نمی ره شکمش رو در بیاره؛ با پیدا کردن دکتر خوب تصمیم به عمل گرفتم؛</p>
رابطه فرا زناشویی	<p>یکی از دوستان شوهرش نمی دونست و رفت سینه اش رو پروتز کرد. وقتی برگشته بود با سیگار زده بود روی بخیه اش... خوب، این کار رو برای جریان دیگه ای کرده بود... همون خانم با شوهرش طوری بود که اون تنها می رفت مسافرت و خانمش هم تنها می رفت مسافرت؛ یکی از دوستانم تا دید شوهرش خیانت کرده سریع رفت و یک رابطه جدید درست کرد. ظاهرش رو هم متحول کرد. کاشت مو کرد. مژه مصنوعی گذاشت. تتوش رو عوض کرد. دوباره خط چشم جدید کشید. مدل آرایش صورتش رو عوض کرد. بغل لب هایش تو رفتگی داشت اصرار داشت حتما اونجا رو ژل بزنه بیاد بالا.</p>
تک ستاره صحنه بودن	<p>لیفت سینه دارم، لبهایم رو پروتز کردم، هاشور ابرو زدم، اگر شوهرم قبول کنه، همه کاری می کنم. عاشق عمل زیبایی هستم. دوست دارم دماغم رو عمل کنم؛ راضیم اما ایراداتش رو هم می بینم؛ من وقتی می خوامم لاک ناخنم رو عوض کنم زنگ می زنم، از شوهرم می پرسم. همیشه برای اون نمی خوام متفاوت باشم برای بقیه هم می خوام متفاوت باشم. تلاش کردم برای شوهرم مثل زن دیگه ای نباشم. این حس رو خیلی دوست دارم. بنظرم توی این قضیه خیلی گولش زدم چون آدم ها هیچ فرقی با همدیگه ندارند</p>
سلطه زنانه	<p>دخترم بازو و غبغبش را درآورده، چون چاق بود. شوهرش میگه هر طور که تو دوست داری... مساله دختر من با بقیه فرق می کنه. اون ۱۸ ساله که عروسی کرده، بچه دار هم نمیشه.. یک خورده هم شوهرش ضعیفه (ابروهایش را بالا کشید). برای همین دختر من از شوهرش نقطه ضعف داره، اونم هیچی نمیکه... هر کاری دخترم میکنه... میگه بکن</p>

جدول شماره ۳ کد گذاری محوری با مقوله اصلی

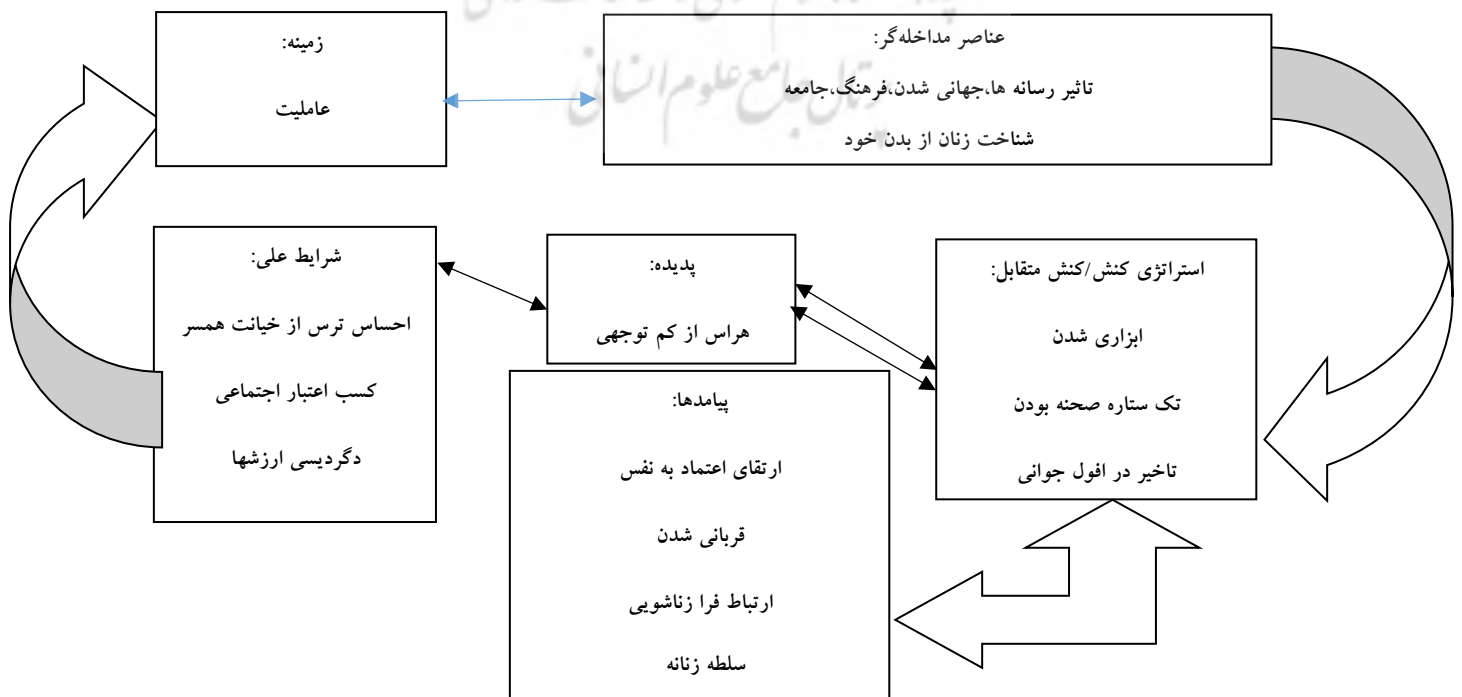
هسته مرکزی	هراس از کم توجهی
علت ها	احساس ترس از خیانت همسر، کسب اعتبار اجتماعی، دگردیسی ارزش ها
زمینه	عاملیت
عناصر مداخله گر	تاثیر رسانه، شناخت زنان از بدن خود
راهبردها	ابزاری شدن، تک ستاره صحنه بودن، تاخیر در افول جوانی
راهبردها	ارتقای اعتماد به نفس، قربانی شدن، ارتباط فرا زناشویی، سلطه زنانه

کد گذاری محوری: در مرحله دوم تجزیه و تحلیل، مقوله های تولید شده در کد گذاری باز، برای اینکه بین مقولات روابطی برقرار شود با توجه به دیدگاه استراوس و کوربین (۱۹۹۸) از مدل پارادایمی استفاده می شود. بر اساس کد گذاری محوری الگوی پارادایم ارتباط بین این مقولات به گونه ای شفاف نشان داده شده است.

کد گذاری انتخابی: هدف تئوری زمینه ای، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده ها. برای تبدیل تحلیل ها به نظریه، طبقه ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شود. کد گذاری انتخابی بر اساس دو مرحله قبلی (کد گذاری باز و کد گذاری محوری) مرحله اصلی نظریه سازی است.

با توجه به مفاهیم مورد نظر در اهداف تحقیق در ابتدا باید عوامل بروز مساله شناسایی شود و سپس با توجه به شرایط زمینه، مداخله گر ها و استراتژی ها به پیامدهای آن در جامعه زنان متاهل شهر تهران پرداخته شود.

نمودار شماره ۱: الگوی پارادایمی هراس از کم توجهی



در این تحقیق علت های پدیده "هراس از کم توجهی" عبارتند از:

احساس ترس از خیانت همسر

چگونه احساس ترس از خیانت همسر در سوق دادن زنان به خدمات و جراحی های زیبایی نقش دارد؟ برای زنان، بودن در چارچوب ازدواج اهمیت دارد. خارج شدن از آن باعث تنزل جایگاه منزلتی و از دست رفتن هویت اجتماعی فرد می شود. ترس از دست دادن هویت فردی و نیز کم توجهی شوهر در زمانی که تنها نقش خود را در چارچوب ازدواج تعریف کرده اند در مقایسه با زمانی که عادت واره های مدرن تری دارند، بیشتر است. زنان می دانند با از دست دادن شوهر خود ممکن است نقش مادری خود را هم از دست بدهند یا کم رنگ شوند و یا در نهایت محتمل است که هم نقش پدر و هم نقش مادر را برای فرزند خود بپذیرند. رابرت پارک مفهوم "خود" را با نقش اجتماعی مرتبط دانسته است. از نظر او مفهومی که هر فردی از خودش دارد بر پایه ی تقسیم کار و سازمان منزلتی استوار است. به نظر پارک خود هر شخص ساخته مفهومی است که آن شخص برای نقش خویش قائل می شود. این نقش نیز به نوبه ی خود مبتنی بر باز شناخت منزلتی است که سایر افراد جامعه برای فرد و نقش او قائل می شوند (کوزر، ۱۳۸۵: ۴۸۵).

خروج از حریم خانواده و یا به حاشیه رانده شدن توسط زنی دیگر "داغ ننگ" را به همراه دارد و بدین ترتیب زنان برای ساختن هویت و باز تعریف جدید راه سختی را در پیش خواهند داشت. اکثریت مصاحبه شوندگان به وجود چنین احساسی در زنان متاهل اذعان داشته و یا خود دارای این هراس در زندگی مشترکشان بوده اند و آن را تجربه کرده اند. در اغلب مصاحبه های انجام شده با زنان متاهل ابتدا از تجربه آنان در مورد داستانی از احساس تجربه خیانت در مورد دوستان و فامیل و نزدیکان آنان سوال شد و بعد با مساعد شدن زمینه و کسب اعتماد و همدلی با آنان، احساس خود را در زندگی مشترکشان بازگو کردند. اما شماری از مصاحبه شونده ها نیز علت جراحی خود را برای دل خودشان، به دست آوردن احساس اعتماد به نفس و رضایت از بدن اظهار کردند.

هانیه ۳۴ ساله در مورد تجربه حس ترس خود از بی وفایی همسرش را این گونه بیان میکند: "حس می کنم خانم های متاهل از گفتن این موضوع ترس دارند و میگویند نه اصلاً اون کار رو نمی کنه... من رو فقط دوست داره. اینها در این عصر یک جور خود گول زدن. واقعا اینجوری نیست. مثلاً وقتی یک خانم میاد مغازه و زیبایی منحصر به فرد خودش رو داره، شوهر من محو میشه، خوب می تونه بره، و من باید کاری کنم که شبیه اون بشم".

آرزو ۳۰ ساله می گوید: "اگر شوهرم بگه برو یکبار دیگر بینی ات رو عمل کن، عمل می کنم. اگر بدونم حتی صدمه می بینم باز هم این کار رو می کنم. چون بالاخره زندگیم هست دیگه، چیزی که بخواد رو مجبورم انجام بدم. خوب... حسادت، خیانت، خیلی اینجور چیزها یک زن رو اذیت می کنه."

میترا ۵۳ ساله نیز در این باره می گوید: "براش (شوهر) زیبایی زن مهمه، همیشه ته ذهنم یک چیزی هست که غلغلک می ده... ترس از دست دادن هست دیگه.. الان زن هایی هستند که خیلی راحت خودشون رو در اختیار مردها قرار می دن، از نظر جنسی زن هاتی نبودم برای همین فکر می کردم هر کی بیاد برآش جالب تره". شوهر میترا دندانساز است و به واسطه ی شغلش با زنان در ارتباط نزدیک می باشد. شوهر میترا بعد از این که او از بوتاکس استفاده نموده عدم رضایت خود را از صورت میترا بیان کرده است. او همچنین اضافه می کند: "شوهرم هم نصف خانه، محل کارش و هم نصف ویلا را به نامم کرده اما وجود خودش برایم مهم است".

زهره ۳۸ ساله می گوید: "من با سعید که می رم بیرون باید از نظر پوشش و لباس طوری باشم که سعید افتخارکنه که زنش اینطوری میاد بیرون و چشمش دنبال زن های دیگر نباشه، فکر می کنم که رقیبی بیاد، الان در جامعه ما خیلی سخته یک مرد رو نگه داری." زهره بعد از طلاق دوباره ازدواج کرده است و این بار برای اینکه تجربه ازدواج قبلیش تکرار نشود خیلی به ظاهر خودش اهمیت می دهد. بینی اش را عمل کرده و به پیشانی و اطراف چشمش هم بوتاکس تزریق می کند.

منیژه ۵۸ ساله اظهار کرد: "جوون تر که بودم، فکر می کردم. چهل چلیه دیگه می دونی؟... که آقایون دوست دارند... اصلا شوهر من زن خوش فرم دوست داره، اونموقع برای زیبایی به من می گفت لاغر شم، خیلی عصبی بودم." او بعد از زایمان سومش ۱۳۲ کیلوگرم بوده و بعد از عمل بای پس معده ۳۲ کیلوگرم کاهش وزن داشته است. او در حال حاضر از اندام خود رضایت دارد اما باز هم می خواهد لاغر تر شود. همچنین منیژه اضافه کرد که کاهش وزن اثر مثبتی در روابطش گذاشته است.

مریم ۳۲ ساله در بیان ترس خود از طرد شدن توسط شوهر می گوید: "چربی های باسنم را درآوردم، می خواستم مایو بپوشم، شلوار تنگ بپوشم،... چرا کم بیارم... می پره دیگه (با صدای کشیده)، با منشی". او قبل از انجام لیپولیز به دفتر وکالت شوهرش رفته بود و از رفتارهای منشی شرکت احساس کرده بود که ممکن است شوهرش نسبت به او بی وفایی کند.

مینا ۴۸ ساله می گوید: "خیلی از همسرم مطمئن هستم. ممکنه ترس یک لحظه بیاد ولی وقتی می بینم همیشه علاقه نشون می ده، میگم هر کسی هم که باشه نمی تونه کاری انجام بده... ولی واقعیت است و من بعضی موقع ها بهش فکر می کنم."

زهرا ۳۹ ساله با انجام عمل راینوپلاستی، تزریق چربی به گونه ها و نیز لیفت سینه در بیان احساسش قبل از انجام این عمل ها می گوید: "اضطراب زیادی قبل از ازدواج داشتم. اینقدر اضطراب داشتم که می تونم بگم لذت عروسی که

طبیعی هست برای دیگران برای من ۲۵٪ بود. من با احساس اضطراب زیادی ازدواج کردم. "زهرابا تغییرات در چهره و اندام،" خود جدیدی "را به نمایش گذاشته تا در روابط و تعاملات خود با همسرش به سطح مطلوب تری برسد. افسانه ۴۲ ساله که خیانت همسرش را تجربه کرده و همچنان با او زندگی می کند نیز حس نا امنی خود را در رابطه با شوهرش این طور بیان می کند: "از اولش اگر خودت رو گول نزنی و بدونی... خوب، من می دونستم... از سال هاپیش می دونستم... به هر حال این اتفاق هست، همسر من آدمی نیست که بخواد وایسه".

محتمل است که افسانه ترس از برجسب خوردن، تحمل واژه های زبانی منفی و نیز طرد شدن از جانب زنان متاهل دیگر را دارد و هنوز به زعم خودش در رابطه ای دردناک باقی مانده است. البته مساله خیانت و پیامد های آن برای یک خانواده، پیچیده بوده و ابعاد مختلفی دارد که توضیح مقولاتش پژوهش دیگری را می طلبد.

دگر دیسی ارزش ها

تغییر استانداردهای زیبایی به مثابه معیار و استاندارد مشخص، از انسان ها و خصوصا زنان "بدن های رام" را به وجود آورده است. بینی کوچک و سر بالا، لب های پر، استخوان گونه ی برجسته، پاهای لاغر و کشیده، پیشانی بدون خطوط اخم و چهره ای که احساسات در آن مدیریت شده است، همیشه معیار زیبایی نبوده است. جامعه هنجارهای زیبایی را تعیین می کند اما منطق سرمایه و سود نیز تعیین کننده ی منطق بازار صنعت زیبایی است. هانیه ۳۴ ساله از تغییر ارزشها می گوید: "مثلا من خودم رو با خانم سیمین دانشور مقایسه نمی کنم اما با فلان سوپرستار که مردها آنقدر ازش خوششون می یاد مقایسه می کنم... ببینید ما چقدر سطح توقعمون پایین اومده...، می خوام بگم ارزشها مون شده ضد ارزش...".

کسب اعتبار اجتماعی

زنان متاهل از انجام خدمات آرایشی و جراحی زیبایی چه انگیزه ای دارند؟ در جواب این پرسش زنان بیان کردند که می خواهند اندام زیبایی داشته باشند تا در مراسم شرکت کنند و در میان زنان و مردان بدرخشند. بتوانند لباس های قشنگ بپوشند و موقعیت های اجتماعی و خانوادگی کسب کنند تا در فعالیتهای اجتماعی جایگاهی داشته باشند. و این جواب ها پژوهشگر را به گزینش واژه ی چشم همچشمی به مثابه مبارزه درون طبقاتی رهنمون نمود.

در بین زنان مصاحبه شونده علاوه بر احساس ترس از خیانت همسر مقوله چشم همچشمی نیز جزء علت های جراحی زیبایی به دست آمد. زیبایی صورت و اندام صورت تازه ای از دارایی محسوب می شوند که می توان آن را دارایی نشانه ای نامید و به عنوان یکی از نمادها و نشانه های پایگاه بررسی می شوند. و بلن با این مدعا که "برای به دست آوردن و حفظ اعتبار فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست" اعتقاد داشت که "ثروت یا قدرت باید نشان داده شوند زیرا اعتبار فقط با آشکار کردن آنها به دست می آید" (وبلن، ۱۳۸۳: ۸۲)

مینا ۴۸ ساله در این باره می گوید: "در تور ما دوسه تا خانم ژینگول بودند که با هم خیلی دوست شدیم و دماغاشون رو عمل کرده بودند. من هنوز نکرده بودم. من احساس کردم که نمی خوام از آنها موقعیت کمتری داشته باشم". چنانچه دیده می شود مکان خارج از ایران است و نیز چهره در معرض دیده است و با یک نگاه می توان وضعیت مالی افراد را برآورد کرد. مهسا ۴۳ ساله بیان می کند: "در مهمانی دیدم دخترعمویم کاشت مژه انجام داده بود، خوشم آمد، برای اینکه کم نیارم برای عروسی برادرش من هم مژه کاشتم". هانیه ۳۴ ساله در مورد انگیزه زن متاهل از تغییرات در بدن می گوید: "حسم اینه که زن ها می خوان عقب نیوفتنند از اون چیزهایی که داره توی جامعه اتفاق می افته و یک چیز همه گیره و همه دوست دارند اون کار رو انجام بدن". زهره ۳۸ ساله می گوید: "جامعه هرچه بیشتر پیشرفت می کنه کارهای زیبایی بیشتر میشه و آدم رو می کشونه به اون سمت که اون کار رو انجام بده". در مراکز خرید که میدان کوچکی از بازتولید فرهنگ مصرف و چشم همچشمی می باشد گاهی پرسه زنی زنان در آنجا سوپرستارها را بر فرش قرمز به یاد می آورد و این حس را در زنان به وجود خواهر آورد که اگر مانند آنها نشوند، شاید از قافله عقب بمانند. شاید بتوان در توصیف گفته ی زهره به این گفتار و بلن اشاره نمود، "از آنجا که در جامعه های متمدن کنونی، مرز جدایی طبقات اجتماعی مبهم و نامشخص است، در نتیجه اعضای هر لایه اجتماعی آرایش بیک زندگی متداول لایه ی بالاتر را تقلید می کنند... اینه چون از شهرت و احترام لایه های بالایی محروم هستند، می کوشند لاقول در ظاهر با قوانین و هنجارهای پذیرفته شده ی آنها همنوایی کنند" (وبلن، ۱۲۱ و ۱۳۸۳: ۱۲۲).

چنانچه در روابط اجتماعی مجازی دیده شده، چشم و همچشمی از طریق شبکه های مجازی نیز اشاعه پیدا می کند، که این نشانه های پست مدرن منجر به نوعی مصرف نشانه ای فرهنگی پست مدرن هم شده است. ندا ۳۰ ساله در مورد تاثیر شبکه اینستاگرام و تلگرام بر چشم همچشمی در میان زنان می گوید: "سالن زیبایی ما سه سال است تاسیس شده، ولی الان جزء بهترین سالن های تهران هست، ۹۹٪ مشتری های ما با اینستا میان... زنان خانواده های VIP تهرانی برای خدمات آرایشی پیش ما می آیند حتی از شهرهای اصفهان، ساری و... با هواپیما میان کارشون رو انجام میدن و با پرواز برمی گردن."

بوردیو هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت و پایگاه می داند. او تولید سرمایه فیزیکی را در گرو رشد و گسترش بدن در نظر گرفته، به گونه ای که بدن حامل ارزش در زمینه های اجتماعی گردد از نظر بوردیو، بدن به عنوان شکل جامعی از سرمایه فیزیکی، در بردارنده منزلت اجتماعی و اشکال نمادین تمایز است (Shilling, 1993:127). او با اعتقاد به اینکه خاستگاه همه ی کنش ها، نظام علایق و ترجیحاتی است که منش یک طبقه را شکل می دهد، رابطه ی هر کس با بدنش را یکی از جنبه های بنیادین نظام منش طبقاتی برشمرده است (بوردیو، ۲۳۸-۱۳۸۱: ۲۱۴).

زنان از متمایز کردن خود با دیگری برای هویت یابی و به دست آوردن و تعقیب سبک زندگی مطلوب خویش و در نهایت استفاده ابزاری از آن در زندگی شخصی و اجتماعی (محبوبیت بیشتر و کسب امتیازات) فراهم می سازد (ذکایی، ۱۳۸۶، ۱۹۰).

پژوهشگر در روند مصاحبه وجود رقابت جنسی بین زنان برای از میدان بدر کردن رقیب را تشخیص داد. به طور مثال مصاحبه شوندگانی که اظهار می کردند که به خاطر این مساله که میل به جوان ماندن را دوست دارند، جراحی زیبایی انجام دادند، هنگامی که این سوال از آنها می شد که چرا زنان دیگر اینکار را انجام می دهند، جلب توجه و خلاهای آن ها را بهانه می کردند. عامل میانجی (تسهیل گر)

عاملیت

واضح است که علل گرایش زنان به زیباسازی خود از فرهنگ، جامعه و جهانی شدن متأثر است ولی خواست خود زنان و عاملیت آنها نیز دخالت دارد. بعضی از مصاحبه شوندگان از اینکه جراحی زیبایی را انجام داده بودند بسیار راضی بوده و این تغییرات در بهبود زندگی آنها کاملاً مشخص شده بود. زهره ۳۹ ساله با انجام عمل راینوپلاستی، تزریق چربی به گونه ها و نیز لیفت سینه در بیان احساسش قبل از انجام این عملها می گوید: "اضطراب زیادی قبل از ازدواج داشتم. اینقدر اضطراب داشتم که می تونم بگم لذت عروسی که طبیعی هست برای دیگران برای من ۲۵٪ بود. من با احساس اضطراب زیادی ازدواج کردم، الان احساس می کنم دوباره متولد شدم." گیدنز در خصوص عامل انسانی بودن، به معنای قدرت داشتن و توانایی "ایجاد تغییر" در جهان معتقد است که در روابط موجود در نظام اجتماعی، کسانی که در ظاهر "بی قدرت ترین" افراد هستند، قادرند منابع خاصی را بسیج کنند، تا به وسیله ی آنها بتوانند "فضاهای کنترل" در خصوص زندگی روزانه ی خود و فعالیت های قدرتمندان را پدید آورند (گیدنز، ۱۳۸۳: صص ۳۴۲-۳۴۰). شرایط مداخله گر

جهانی شدن، شبکه های اطلاعاتی، فرهنگ و جامعه

به نظر بودریار ما در عصر فراواقعیت ها زندگی می کنیم که در آن واقعیت جای خود را به نشانه های محصولات تکنولوژیکی و تصاویر داده است. سوپرستارها، عروسک باربی، مانکن و... برای بعضی از زنانی که با آنها مصاحبه شد الگو و معیار زیبایی بود. رسانه ها می توانند با ارائه پیامهای دستکاری شده و بازی تصویری با آنها بر قضاوت مخاطبان تاثیر بگذارند و باعث ناهنجاری های فرهنگی در جامعه شوند. اگر رسانه ها در تکرار بازنمایی از حقیقت اصرار بورزند، می توانند آن بازنمایی را به "کلیشه" یا "انگاره" تبدیل کنند. آرزو ۳۰ ساله درباره ی معیار زیبایی اش که مانکن می باشد میگوید: "من خودم مدلها رو که نگاه می کنم، چونه هاشون زاویه داره.. اون فکهارو خیلی دوست دارم."

شناخت زنان از بدن خود

زنان در برداشت از بدن خویش به دانشی اکتسابی در فرایند اجتماعی شدن دست پیدا می کنند و صلاح می دانند که در جهت زیباتر کردن خود از چه تغییراتی در بدن بهره مند گردند. زهرا ۳۸ساله، پرستار بوده و خستگی سیمای خود را با تزریق بوتاکس ناپدید می کند. او در پاسخ به اینکه چرا از بوتاکس استفاده می کنی بیان می کند: "صورت جوون تر در ارتباطات خیلی تاثیر داره، با افتادگی صورت خستگی و ناراحتی پیدا میشه، جامعه به سمتی می ره که تو باید Fresh تر و زنده تر باشی مگر نه جایگاه خودت رو از دست می دی."

بخش دوم: تجربه و درک از زیبایی در زنان متأهل

ابزاری شدن

زنان متأهل برای برنده شدن در میدان انتخاب و دیده شدن ناچارند به شیوه های مختلف که یکی از آنها زیبایی است وارد عمل شوند. زنان همواره در معرض انتخاب مردانه بوده اند و برای رفع هراس از کسب نکردن فرصتها و امتیازات مختلف در روابط اجتماعی و نیز حفظ کیان زناشویی خود، دست به دامان اسطوره ی بی ثبات زیبایی شده اند. زهرا ۳۹ ساله در توجیه هراسی که در عقب افتادن از قافله زیبایی برای زنان هم سن خودش پیش آمده، می گوید: "جامعه در حال جلو رفتنه، اگر با سرعت جامعه جلو نری نمی تونی شادابی و سرزندگی رو برای مردت حفظ کنی. اینقدر رقیب های زیادی هستند. نسلهای تازه خیلی سریع همه چیز رو گرفتند، اگر آدم نخواد به خودش برسه دیگه جایگاهی در جامعه نداره."

چنانچه مطرح شد، امروزه، ظاهر و زیبایی ملاک انتخاب و محبوبیت در بین فرصتهای خانوادگی و نیز اجتماعی است. در چنین شرایطی زنان زیبا، زنان قدرتمند تعریف می شوند و زیبایی، ابزاری برای کسب قدرت و منزلت می گردد. زیبایی، برای آنها پاداش همراه داشته و به آنان قدرت بخشیده است .
تک ستاره ی صحنه بودن

تحسین اجتماعی، جلب توجه نمایش خود، پسندیده شدن دیده شدن همه از رسانه ای شدن و درک و تجربه تغییرات بدن در زنان حکایت دارد. عاطفه ۳۶ ساله در حالی که در ورزشگاه روی تردمیل راه می رفت می گوید: "لیفت سینه دارم، لبهایم رو پروتز کردم، هاشور ابرو زدم، اگر شوهرم قبول کنه، همه کاری می کنم. عاشق عمل زیبایی هستم. دوست دارم دماغم رو عمل کنم". عاطفه بعد از انجام این تغییرات می گوید: "راضیم اما ایراداتش رو هم می بینم". او همزمان در دو ورزشگاه نامنویسی کرده و مراقب اندامش است، اما از نظر خودش هنوز به چهره ی آرمانی نرسیده و مترصد است تا چهره ی نمایشی جدیدی را دوباره با عمل زیبایی بعدی بسازد .

افول جوانی

به تاخیر انداختن پیروی حتی برای چند سال از نظر فعالیت های اجتماعی می تواند سودمند باشد. به باور گروهی از زنان ساعت بدن را حداقل برای مدتی کوتاه می توان با انجام عمل زیبایی عقب انداخت. ماهرخ ناراحتی خود را از درآمدن موهای سپید، فرشته از پایین افتادن پلک، سودابه از چروک پوست و فرناز از افتادگی شکم و... ابراز کردند. بخش سوم: آثار و پیامدهای جراحی زیبایی در زنان متأهل

ارتقای اعتماد به نفس

به نظر پژوهشگر، مصاحبه شوندگان با جراحی زیبایی در خود ارتقا اعتماد به نفس شان را احساس می کردند و قبل از عمل میزان رضایت شان از خود کمتر بوده است. ندا ۳۰ ساله که پروتز سینه انجام داده است می گوید: "هر چی از درون قوی باشی کمتر میشه از بیرون بهت نفوذ کرد. یک کمی که خودت SO...SO باشی، بعد ببینی که همه لبشون رو تزریق کردن ناخودآگاه تو هم به اون سمت می ری". زهرا هم بعد از لیفتینگ سینه می گوید: "عمل سنگینی بود، بعد از عمل خیلی از خودم راضیم".

قربانی شدن

موضوع مهم دیگر، چگونگی رویارویی زنان متأهل بعد از تجربه های نامطلوب عمل جراحی زیبایی است. بسیاری از مصاحبه شوندگان تجربه ناخواسته بودن نتیجه جراحی و پیکرتراشی را تجربه کرده اند. مریم ۵۳ ساله می گوید: "بعد از بوتاکس شوهرم از من پرسید. میترا چی شده؟ تو چرا صورتت اینطوری شده؟ چرا این کار رو کردی؟ من تو رو اینطوری دوست ندارم."

روابط فراخانوشویی

دشواری طلاق برای بعضی از خانواده ها باعث روابط موازی می شود. با رشد شهرنشینی فردی شدن در زنان هم رشد نموده و صورتهایی از هنجارشکنی و روابط فراهمسری در آنان دیده می شود. ندا ۳۰ ساله می گوید: "یکی از دوستان شوهرش نمی دونست و رفت سینه اش رو پروتز کرد. وقتی برگشته بود با سیگار زده بود روی بخیه اش... خوب، این کار رو برای جریان دیگه ای کرده بود... همون خانم با شوهرش طوری بود که اون تنها می رفت مسافرت و خانمش هم تنها می رفت مسافرت."

سلطه زنانه

اینکه در روابط خانوادگی همیشه مردان رابطه ی سلطه را ساخته و در موقعیت فرادست باشند همیشگی نیست. مردان هم مثل زنان می توانند قربانی رابطه سلطه باشند. سودابه در مورد دخترش چنین می گوید: "دخترم بازو و غبغبش را

دراورده، چون چاق بود. شوهرش میگه هر طور که تو دوست داری... مساله دختر من با بقیه فرق می کنه. اون ۱۸ ساله که عروسی کرده، بچه دار هم نمیشه.. یک خورده هم شوهرش ضعیفه (ابروهایش را بالا کشید). برای همین دختر من از شوهرش نقطه ضعف داره، اونم هیچی نمیگه... هر کاری دخترم میگه... میگه بکن". در اینجا ضعف جنسی شوهر باعث شده بود که زن تغییر در بدن خود را برای ارضا نیازهای خود و تامین توجه انجام دهد.

با بهره گیری از روش "نظریه ی زمینه ای" می توان ساختار درونی درک و تجربه زنان متأهل از استفاده از مدیریت بدن را در میدان تحقیق درک کرد. از تجزیه و تحلیل اطلاعات می توان به مدل پارادایمی زیر دست یافت.

نتیجه گیری و بحث

اهمیت به بدن واقعی پیچیده در میان زنان متأهل است. امروزه توجه به ظاهر بیش از هر زمانی مشاهده می شود. در مصاحبه هادریافتیم که، مردان متأهل به ظاهر زنان حساس هستند، زیرا با دیدن زنان دیگر به طور ناخودآگاه آن‌ها را با همسر خود مقایسه کرده و ممکن است احساس ناکامی و حسرت به آنان روی آورد. واقعیت این است که هر زنی دارای پاره‌ای از زیبایی‌ها و جذابیت‌هایی است که زنان دیگر آن را یا ندارند و یا کمتر دارند. به دشواری می توان زنی را پیدا کرد که فاقد هرگونه ظرافت و جاذبه زنانه باشد. مردانی که به چشم چرانی روی می آورند همسر خود را با زنانی که می بینند مقایسه می کنند و مسلمانان در این مقایسه همسرشان مورد بی توجهی قرار می گیرد. دنیای روابط سطحی و زودگذر امروز با سرگشتگی همراه شده و معنا جای خود را به شبه معنا در روابط میان انسانها داده است و این هراس از بی ثباتی رابطه، زنان را به سوی تغییر در بدن شان سوق می دهد. همچنین پزشکان زیبایی نیز به باور خود می خواهند مانند میکال آنژ پیکر تراش، فرشته ای را از کالبد زنان آزاد کنند. حال آنکه این فرشته که شاید خواستش محبوب تر بودن در چشم شوهرش است تبدیل به ماسک کاریکاتوری گردد. جامعه ی امروز ایران که بین سنت و مدرنیته غوطه ور است، با دگرذیسی در ارزش ها مواجه شده است. به نظر می رسد عقلانیت محاسبه گر، حاکم بر روابط اجتماعی شده و در خانواده نیز رسوخ کرده است، در صورتیکه روابط خانوادگی مناسب مستلزم محرمیت بین زن و شوهر، عدم محاسبه در مبادلات، و وجود بخشش و ایثار است. آمار میانگین طلاق در سال ۹۵ بنابر اعلام سایت های معتبر در کشور ۲.۴ می باشد. به این معنی که تقریباً در مقابل هر ۴ زوجی که زندگی مشترک شان را آغاز میکنند، یک زوج در حال جدا شدن از هم هستند. اما در این میان دیده می شود که شناخت نسبت به دنیای پیچیده پس از طلاق مخصوصاً برای زنان بسیار کم است. شرایط کار برای زن و مرد یکسان نیست. تجربه های روانی سختی را هر دو جنس برای مواجه با تنهایی متحمل می شوند و بعضاً جدایی از فرزندان نیز مزید بر علت خواهد شد. و این طبیعی می نماید که زنان برای حفظ موقعیت اجتماعی و خانوادگی خود از خیانت همسر و وارد شدن شریک دیگری برای زندگی شان جلوگیری

نمایند. تغییر در بدن یک راه حل برای حفظ موقعیت خانوادگی می باشد چرا که برای درمان یک مساله می توان به طور مستقیم با آن برخورد نکرد.

زنان با کسب سرمایه نشانه ای که نوعی از سرمایه ی فرهنگی است در جهت کسب اعتبار و پرستیژ بیشتری هستند. به واسطه سرمایه است که زنان می توانند بر سرنوشت خود و دیگران نظارت داشته باشند و برای بهره مندی بیشتر از منافع خاص توانمند تر شوند. در جامعه امروز ایران که مد و صنعت زیبایی تعیین کننده ی لباس و پوشاک ظاهری می باشد کسب زیبایی، هنجار بوده و باعث تحرك اجتماعی نیز میشود.

فصل مشترک زنان مبارزه ای برای ارتقا پایگاه نمادین می باشد. تغییرات اجتماعی تحت تاثیر جهانی شدن، گسترش ارزش های مدرن، کسب اطلاعات از طریق وسایل ارتباط جمعی بر مدیریت بدن زنان متاهل تاثیرات به سزایی داشته است. شبکه های اجتماعی نیز تاثیر گذار بر نگرش ها و رفتارهای زنان متاهل در باره بد نشان است. در مصاحبه هادیده شد که مصاحبه شوندگان تحت نفوذ رسانه ها قرار گرفته معیار زیبایی را، زیبایی سوپر استارها تعریف کرده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که اگر بخواهند دیده شوند، مانند بعضی از سوپر استارها باید در اندام خود تغییر ایجاد کنند. تلاشهای بسیاری از زنان در جهت همنوایی با اندامهای زنانه تبلیغ شده در رسانه های غربی است و آنان را وادار به اتخاذ رژیم های غذایی پیچیده و نیز کوچک کردن معده با بالون می کند که اختلال در خوردن از پیامدهای آن است. نائومی ولف در تایید اینکه فشار هژمونیک رسانه ها باعث عقب افتادن زنان از عرصه های سیاسی و اجتماعی می شود، می گوید: "ایجاد وسواس زیباشدن و نفرت از خود در صورت شکست اجتناب ناپذیر در این کار، موجب می شود زنان از طریق اعمال جراحی یا اختلال در خوردن، به بدن خود آسیب برسانند و یا ایجاد فضای رقابت جویی در زنان، بین آنها فاصله می اندازد." از زاویه ای دیگر زنان از طریق نمایش بدن خود، ستایش و توجه دیگران را برمی انگیزند. آنان در ارتباطات اجتماعی خود بین خانواده، همسر و گروه دوستان حاضر هستند در بدن خود تغییراتی انجام دهند تا رضایت آنها را بر آورده ساخته و نگاه دیگران را به خود جذب نمایند، و در امتداد آن به پیروز میدان شناخته شوند.

روابط مقطعی در دوره های زمانی محدود که اصل آن بی تعهدی است باعث اضطراب و ترس در زنان متاهل می شود، بنابراین زنان با رویکردی سنتی - مدرن در ازدواج مواجه هستند و با هدف "مورد توجه قرار گرفتن" توسط همسر خود دست به مدیریت بدن می زنند و خطرات احتمالی از این اعمال را می پذیرند. هدف از پردازش تفصیلی هراس از کم توجهی نسبت به مقولات دیگر، این بود که این پدیده در هر مصاحبه و مشاهده به طرز آشکاری خود را نشان داد و زنان متاهل از علاقه خود به مدیریت بدن شان و نیز کنترل خطرهای احتمالی آن سخن گفتند. کنترل رابطه ازدواج نشانه هایی از تمایل زنان به عاملیت و پیشگام بودن است که با نگاهی دقیق کنشگر بودن آنان دیده می شود. در جامعه ای که ساختارهای اجتماعی و شرعی حق انتخاب شریک زندگی را به مرد داده و نیز اجازه ازدواج مجدد هم به او داده شده

است، و نیز زن کمتر جایگاهی برای عرض اندام در ساختارهای سیاسی و اجتماعی رابه دست آورده است، سعی می کند برای حفظ جایگاه و منزلت خود از سرمایه زیبایی استفاده کند و آنطور که ارزش های حاکم در جامعه برای زنان تعریف کرده است زندگی کند. باید بآب بدنش آن طور که دیگران می خواهند، زندگی کند و مهمترین دیگران کسی جز شوهر نیست. نتایج حاصل از این پژوهش تایید کننده نتایج حاصل از پژوهش دلیو ادموندز (۲۰۰۸)، ماریا لائو و سورلیه (۲۰۱۰)، ماریا اوکوا (۲۰۱۱)، یوهه لی (۲۰۱۴) در خصوص تاثیر متغیر ارزش سرمایه جنسی بر انجام مدیریت بدن زنان است.

پیشرفت علم جراحی زیبایی در افزایش تقاضای زیبا بودن موثر بوده است. زنان برای مراقبت از پوست و سیمای خود، نیاز به کسب دانش تخصصی در این زمینه دارند، از دید دیگر این دانش، از بدن زنان، بدنی تحت انقیاد مد و استانداردهای بیرونی می سازد. عاملیت زنان نیز به این مفهوم است که آنها بتوانند با بازاندیشی در سیاست زندگی شان متناسب و شایسته با بدن شان تغییر یابند. تجربه و مفهوم سازی زنان از بدن خود همواره با واسطه ی ساختارها، روابط و کدهای فرهنگی صورت گرفته است، اساساً " اعمال تغییرات در بدن زنان هم جنبه فردی داشته و هم جامعه در طرح ویژگی های خاص جنسیت زنان مطرح می باشد.

زنان در دوره پهلوی و هم پس از انقلاب اسلامی با فشارهای فرهنگی در مورد ظاهر خود مواجه بودند، در نتیجه بدن وسیله ای برای کنار آمدن با اوضاع و احوال بیرونی شده و دچار دگرگونی های بسیاری گشته است. پرننگ شدن فردیت در زنان و کم رنگ شدن نقش های سنتی و همچنین تغییرات اجتماعی باعث گردیده تا آنان به واسطه باز اندیشی، هویت تازه ای برای خود تعریف کنند و مورد توجه قرار بگیرند. در نهایت اگر زنان بتوانند کدهای فرهنگی را که سعی دارند آنها را در کنترل بیاورند، شناسایی کنند، هر روز شرایط عاملیت آنها راحت تر خواهد شد و دیگر لازم نیست، الگوهای از پیش تعیین شده زن بودگی آنان را تعریف کنند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدنیا، شیرین. (۱۳۸۵). "جامعه شناسی بدن و بدن زنان"، فصلنامه زنان، شماره ۵.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها). مترجم بیوک محمدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). جامعه شناسی خانواده، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) (طراحی پژوهش های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران نشر نی
- بوردیو، پییر (۱۳۸۱). "واکنش های ارزشی و کنش های اجتماعی"، فصلنامه ارغنون، مترجم: محمد رضا فروزنده، ش ۲۰.

- پارکر. (۱۳۸۳). ساختار بندی، مترجم امیرعباس سعیدی پور، تهران: انتشارات آشیان.
- ترنر، برایان. (۱۳۸۱). "شرق شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن"، مترجم غلامرضا کیانی، تهران: نشر فرهنگ.
- حقیگوی پشکه، آزاده. (۱۳۸۶). بررسی انسانشناختی فرهنگ حاکم بر مدیریت بدن در بین زنان شهر تهران (مطالعه موردی زنان مناطق ۶ و ۷ و ۱۹، استاد راهنما: اصغر عسگری، پایان نامه کارشناسی دانشگاه تهران: دانشگاه علوم اجتماعی).
- حمیدی، نفیسه و فرجی، مهدی. (۱۳۸۷). مصرف فرهنگی ارایش در میان زنان، در مطالعات فرهنگی مصرف فرهنگی و زندگی روزمره، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۶). "جوانان، بدن و فرهنگ تناسب". فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، صص ۱۴۱-۱۱۷.
- ذکایی، محمد سعید و امن پور، مریم. (۱۳۹۱). درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات تیسرا.
- ذکایی، محمد سعید و فرزانه، حمیده. (۱۳۸۷)، "زنان و فرهنگ بدن: زمینه های انتخاب جراحی های زیبایی در زنان تهرانی"، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، صص ۶۱-۴۵.
- غراب، ناصرالدین. (۱۳۷۸). "بدن و دین، تهران: نامه پژوهش، ش ۱۲، صص ۱۷۰-۱۴۵.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناختی، تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، مترجم هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد. (۱۳۷۸). نظریه های بنیادی جامعه شناسی، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی و بردسان، کارن. (۱۳۸۷). جامعه شناسی، مترجم حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). چکیده ی آثار آنتونی گیدنز، مترجم حسن چاوشیان، تهران: نشر ققنوس.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱. چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- بولن، تورشتاین. (۱۳۸۳). نظریه طبقه مرفه، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

- (ب) منابع لاتین

- Capanec, Diane (1999), "Woman's voices, Woman's choices", University of Manitoba
- Choi, Percilla, Y. L (2000) "Lnnnm g add eeiing g hy eeee eeee n
execd???? " 772-888, in pp 333-000 I Jae eeeee ee)) W'''''' '' eeatt
Leicester: The British Psychological Society.
- Grogan, Sarah (1999), Body Image, pp. 666-999 Jae eeeee eEE W'''''' '' ee att
Leicester: The British Psychological Society.
- Sii llggg C ۱۹۹۳, "rr a eeeee ee oooooo aa r II Sccllll ogy of
Beatt y aFFFace." Bsssssssssss sssssss lll gga VVpp 1, No4.
- Tsapelas, I. HE, Fisher, and A. Aron (2000) "Ieeeeeeyñee ttt hh ett ε hh y." I WR
Cupach and BH Spitzberg, The Dark Side of Close Relationships II, New York: Routledge,
PP555-666.